



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

QUINCY INSTITUTE  
FOR RESPONSIBLE  
STATECRAFT

## نادیده گرفتن پیوند یمن و غزه

رسانه‌های جریان اصلی در آمریکا به ندرت به روشن‌ترین مسیر غیرنظامی برای کاهش تنش‌ها در خاورمیانه اشاره می‌کنند و این مسیر چیزی نیست جز کمک به میانجی‌گری آتش‌بس میان اسرائیل و حماس. به گفته محمد البخیتی، سخنگوی حوثی‌ها، حملات این گروه یمنی تا زمانی که «جنایت‌های اسرائیل در غزه متوقف شده و غذا، دارو و سوخت به جمعیت تحت محاصره‌اش برسد» متوقف نخواهد شد. چه کسی می‌تواند بگوید که این ادعا درست است یا نه. اما شواهد نشان می‌دهد که حملات در دریای سرخ، عراق و سوریه در طول توقف قبلی جنگ در غزه که چند روز طول کشید، متوقف شده بود. اما این نکته هرگز مورد بحث قرار نمی‌گیرد. در هفته‌های اول ژانویه، رسانه‌های بزرگ آمریکا ادعا کردند که دولت بایدن با بهترین روش، مدیریت درگیری و تضمین عدم گسترش آن فراتر از غزه را فراهم خواهد کرد. بین ۷ اکتبر تا ۱۴ ژانویه، نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست و وال‌استریت‌ژورنال بیش از ۶۰ مقاله منتشر کردند که بر برخی از جنبه‌های تهدید تشدید تنش در خاورمیانه تمرکز داشتند. حداقل ۱۴ مقاله بر روند تصمیم‌گیری دولت بایدن تمرکز داشتند. نیویورک‌تایمز گزارش داد: «حملات حوثی‌ها، ترس از وقوع یک جنگ گسترده‌تر را برای خاورمیانه و ایالات متحده افزایش می‌دهد.» واشنگتن‌پست نیز نوشت: تنش در خاورمیانه فراتر از اسرائیل در حال گسترش است. وال‌استریت‌ژورنال نیز نوشت: «آمریکا فشار دیپلماتیک را برای جلوگیری از جنگ گسترده‌تر در خاورمیانه افزایش می‌دهد.» حتی پس از حملات ۱۳ ژانویه در یمن، رسانه‌ها ادعا کردند که دولت بایدن متعهد به اجتناب از تشدید تنش است اما از این ۱۴ مقاله، تنها پنج مقاله به خواسته‌های دشمنان آمریکا در منطقه مبنی بر اینکه اسرائیل اجازه ورود غذا و دارو به غزه را صادر کرده و به بمباران غزه پایان دهد، منتشر کرده‌اند. در بیشتر موارد، مقالات فقط به‌طور خلاصه اشاره می‌کنند که حملات حوثی‌ها «در همبستگی» با مردم غزه انجام شده است. اما در هیچ کجای داستان‌های مربوط به بحران احتمالی، کسی به آتش‌بس در غزه به‌عنوان یک گزینه اشاره نکرده است. در عوض، مقاله‌های بیشتر گزینه‌ها را حفظ وضعیت موجود یا پیگیری راه حل نظامی عنوان می‌کردند. نیویورک‌تایمز در گزارشی نوشت: «مقامات ارشد دولت بایدن گفته‌اند که باید تصمیم بگیرند آیا به سایتهای موشکی و پهپادی حوثی‌ها در یمن حمله کنند یا منتظر بمانند که حوثی‌ها پس از غرق شدن سه قایق تندرو کشته شدن جنگنده‌هایشان عقب‌نشینی می‌کنند یا خیر». اگر هم انتقادی از دولت بایدن وجود داشته، همیشه راه تهاجمی تر پیشنهاد شده است. برای مثال واشنگتن‌پست در ۸ نوامبر پس از حملات آمریکا در سوریه نوشت: «منتقدان رویکرد دولت، حملات تلافی‌جویانه را ناکافی خوانده‌اند.» در همین حال، گزارش‌های کارشناسی را که هفته‌هاست به آتش‌بس به‌عنوان یک گزینه اشاره کرده‌اند نادیده گرفته شده است. چند ساعت قبل از حملات ۱۱ ژانویه در یمن، الکس استارک، محقق شرکت اندیشکده رند، این مسئله را مطرح کرد که اصرار برای پایان دادن به جنگ در غزه مؤثرترین راه واشنگتن برای کاهش تنش با حوثی‌ها است. او در فارین‌افرز نوشت: «بخوابیم یا نخوابیم، حوثی‌ها حملات خود را به عملیات اسرائیل در غزه مرتبط کرده‌اند و حمایت داخلی و منطقه‌ای را برای انجام این کار به دست آورده‌اند. پیدا کردن یک رویکرد پایدار و بلندمدت برای هر دو درگیری برای تنش‌زدایی در منطقه و آوار کردن حوثی‌ها به توقف حملات خود به کشتی‌های تجاری حیاتی است.» به دنبال عملیات ایالات متحده، نیویورک‌تایمز خاطر نشان کرد که کشورهایمانند قطر و عمان «به ایالات متحده هشدار داده بودند که بمباران حوثی‌ها می‌تواند یک اشتباه باشد، زیرا می‌تواند که این اقدام به تعمیق تنش‌های منطقه‌ای بیانجامد. آنها استدلال کرده‌اند که تمرکز بر دستیابی به آتش‌بس در غزه، انگیزه اعلام‌شده حوثی‌ها برای ادامه حملات را از بین می‌برد.» کارشناسان گفته‌اند که ناتوانی در پیوند دادن تجاویزات حوثی‌ها به جنگ جاری یک اشتباه محاسباتی استراتژیک است. مؤسسه کارنگی نوشت: «این امتناع از دیدن پیوند بین غزه و دریای سرخ به این معنی است که ما در اینجا نیز ضرورت استراتژیک امنیتی مهم‌رانی بینیم.»



نگار: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

دیپلمات  
های  
ایرانی

فین‌کنشتاین را امضا کرد؛ به این امید که فاتح بزرگ اروپا خواهد توانست به ایران در مقابل روسیه مدد برساند، غافل از اینکه فرانسه نیز به طرفه‌العینی با عقد عهدنامه تیلوسیت با روسیه ایران قاجاری را رها خواهد کرد. با وجود آنکه نخستین تلاش ایران برای بهره‌گیری از نیروی سوم با شکست مواجه شد اما این ایده به‌عنوان تنها ایده عملی همچنان به شکل جدی مطرح ماند و پس از مشروطه نیز رجال این عصر برای رهایی از خرس روسی و رویه انگلیسی به هر دستاویزی چنگ انداختند. تلاش برای بهره‌گیری از مستشاران بلژیکی و سوئدی و آمریکایی همگی برای کاهش نفوذ و دخالت لندن و مسکو صورت می‌گرفت که البته با واکنش و گاه اولتیماتوم‌یک‌یک از آن دو به نتیجه نمی‌رسید. ماجرای ماموریت مورگان شوستر آمریکایی از سوی مجلس ایران برای سروسامان دادن به وضعیت مالی و گمرکات و ایجاد خزانه نوین کشور از جمله همین مسائل بود که به اولتیماتوم معروف روسیه و اخراج شوستر از کشور تمام شد. با این حال این تلاش‌ها همچنان ادامه داشت و آمریکا به‌عنوان قدرتی نوظهور که استقلال خود را از بریتانیا با جنگ و انقلاب به دست آورده بود و هنوز اقدامات استعماری و استعماری از اوسر نژده بود، شهرتی نیک داشت و رجال بیش از پیش به آن امیدوار بودند. احمد قوام نیز در نخستین دوره نخست‌وزیری‌اش با واگذاری امتیاز پنج‌ساله نفت شمال به شرکت آمریکایی استاندارد اویل بخت خود را در یافتن نیروی سوم آزمود و باز هم مانند دفعات پیشین انگلیس و روسیه علیه این اقدام دست به کار شدند. واگذاری این امتیازات از سوی دولت‌های ایران برای زیر سوال بردن و عدم پذیرش قرارداد استعماری ۱۹۰۷ بود که شمال ایران را به‌عنوان منطقه نفوذ انحصاری روسیه و جنوب به‌عنوان منطقه انحصاری انگلیس مطرح کرده بود، صورت می‌گرفت. دولت‌های مشروطه با بهره‌گیری از مستشاران از کشورهای مختلف و واگذاری امتیاز به سایر دولت‌ها تلاش داشتند نشان دهند که قرارداد ۱۹۰۷ از نظر دولت ایران یک قرارداد استعماری و غیرقابل قبول است و ایران هرگز حاضر به پذیرش مفاد آن، که بدون اطلاع تهران و با نادیده گرفتن استقلال ایران برای برقراری با هر دولتی که مایل است صورت گرفته، نخواهد شد. با واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت آمریکایی، انگلیسی‌ها برای این که زمینه را برای عزل قوام مهیا سازند، دست به انتشار مطالبی دروغ زدند؛ از جمله روزنامه‌تایمز شایعه دریافت رشوه توسط قوام از شرکت‌های نفتی آمریکایی را منتشر کرد. این خبر طبیعتاً به زیان دولت قوام بود و زمینه‌های سقوط آن را فراهم کرد.

وزارت امور خارجه آمریکا از جوزف شائول کورنفلد، سفیر آمریکا در ایران خواست صحت خبر تایمز را بررسی کند. کورنفلد باید به واشنگتن اطلاع می‌داد آیا اتهاماتی که علیه قوام اقامه شده است، واقعیت دارند یا خیر؛ و اینکه مشخص شود کدام‌یک از شرکت‌های آمریکایی می‌خواهند از طریق غیرمعمول دولت ایران را وادار به پذیرش پیشنهاد اعطای امتیاز نفت کنند. کورنفلد پاسخ داد ادعاهای تایمز لندن هیچ پایه و اساسی ندارد و کاملاً بی‌جاست. با این حال استمرار شایعات در تهران و مخالفت مجلس با اختیارات وزیر مالیه دولت او یعنی محمد مصدق منجر به استعفاي اعتراضی قوام و پایان دولت اول او شد.

قوام بار دیگر در خرداد ۱۳۰۱ مامور تشکیل دولت شد. خودش وظایف وزیر امور خارجه را در دولت برعهده داشت. او بار دیگر برای سامان دادن اوضاع مالی کشور از مستشاران آمریکایی به سرپرستی آرتور میلیسپو دعوت به همکاری نمود که این ماموریت برخلاف دفعات پیشین، پنج سال ادامه داشت. این مستشاری با استعراض دولت از آمریکا همراه بود. ماموریت میلیسپو با سامان بخشیدن بر امور مالی و گسترش جاده‌ها و نظم بخشیدن به قیمت‌گذاری کالاها موجب رضایت عمومی از او و همکاری‌اش شد و خاطره خوبی از مستشاران آمریکایی در ذهن ایرانیان بر جای گذاشت. میلیسپو که در نگارش و اجرای برنامه اصل چهارم ترومن و حمایت از کشورهای فقیر نیز نقش داشت، بار دیگر در سال ۱۳۲۱ در دولت قوام به‌عنوان مستشار امور مالی به ایران دعوت شد و سه سال دیگر عهده‌دار این مسئولیت بود. قوام در این دوره نیز مجدداً برای واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت‌های آمریکایی تلاش کرد تا بتواند از عواید درآمدی آن استفاده کند. دولت‌های مستعجل این دوره با کسری بودجه دست به گریبان بودند و هر یک برای کسب درآمد، راهی را بر می‌گزیدند. اصرار قوام بار دیگر شایعه رشوه‌گیری او را مطرح کرد و دعوی او با مجلس برای تصویب اعطای این امتیازات منجر به استعفاي دوباره قوام از نخست‌وزیری شد و پس از مدتی نمایندگی مجلس به دلیل قدرت‌گیری رضاخان دشمن دیرینه‌اش ستاره اقبال قوام فروکش کرد و حتی مدتی زندانی شد و در نهایت با آغاز سلطنت رضاشاه مجبور به خانه‌نشینی شد.

### اشغال ایران و تلاش برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی

با استعفا و تبعید رضاشاه بسیاری از رجال قاجاری که مفضوب او بودند، دوباره به سیاست برگشتند و احمد قوام یکی از شاخص‌ترین آنها بود. کمتر از یک سال پس از به سلطنت رسیدن محمدرضاشاه بود که قوام کابینه خود را تشکیل داد و در نخستین اقدام بار دیگر میلیسپو را به ایران فراخواند و لایحه ماموریت مستشاری امور مالی او را تقدیم مجلس کرد. در لایحه دیگری کلنل شورتاسکف آمریکایی نیز برای مستشاری ژاندارمری استخدام شد. شری‌دیان را هم به‌عنوان مستشار خاوروبار به ایران آورد. با این حال مشکل قطعی و کمبود خواروبار و مواد غذایی سرتاسر ایران را درگیر کرده بود و مشکلات مالی و اختلاف با مجلس بار دیگر قوام را وادار به استعفا کرد.

مشروطه‌خواهان بازگشت و در کابینه‌های پس از استبداد صغیر به‌عنوان وزیر جنگ، داخله و عدلیه خدمت کرد. پس از آن به‌عنوان والی خراسان عازم مشهد شد و تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در این سمت بود تا به دستور سیدضیاءالدین طباطبایی و توسط کلنل محمدتقی‌پسپان دستگیر و به تهران اعزام شد و همراه تعداد زیادی از رجال در عشرت‌آباد زندانی شد. اما بخت با قوام و رجال دیگر همراه بود و احمدشاه که به سیدضیاء ظنین بود، فرمان عزل او را صادر کرد و ماموریت تشکیل دولت را بر عهده قوام گذاشت. احمد قوام در مقام صدراعظم با شورش‌های محلی چون شورش جنگل و شورش محمدتقی‌پسپان روبه‌رو شد که همگی را با موفقیت سرکوب کرد.

سیاست نیروی سوم  
رجال بسیاری از زمانی که ایران گرفتار دخالت و زورگویی روسیه و بریتانیا شد، از سیاست نیروی سوم پیروی کردند. نخستین کسی که به دنبال نیروی سوم رفت نیز عباس‌میرزا و پدرش خاقان بزرگ فتحعلیشاه قاجار بود. البته پیش از آن نیز ایران در دوران صفویان در خلیج فارس برای مقابله با اسپانیا و پرتغال دست به دامن نیروی سوم شد و از بخت بد ایران، این نیروی سوم، فرمانروای دریاها در قرون بعدی، بریتانیای کبیر بود. در جریان جنگ‌های ایران و روسیه که بریتانیا برخلاف عهدهای پیشین حاضر به حمایت از ایران نشد، دربار قاجار را وادار کرد تا در اروپا به دنبال متحد دیگری بگردد و از این رو با ناپلئون عهدنامه

حضرت اشرف احمد قوام‌السلطنه یکی از تأثیرگذارترین و مهمترین رجال ایران معاصر است؛ کسی که فرما مشروطیت با انشاء و خط او نوشته شد و پنج بار به نخست‌وزیری رسید و ایران را از اشغال متفقین رهایی داد و سرآخر آبروی سیاسی خود را در نهضت ملی شدن صنعت نفت قمار کرد اما قضاوت تاریخ درباره او، نیکو و بزرگمردی است.

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....



داوود دشتیانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

حضرت اشرف احمد قوام‌السلطنه یکی از تأثیرگذارترین و مهمترین رجال ایران معاصر است؛ کسی که فرما مشروطیت با انشاء و خط او نوشته شد و پنج بار به نخست‌وزیری رسید و ایران را از اشغال متفقین رهایی داد و سرآخر آبروی سیاسی خود را در نهضت ملی شدن صنعت نفت قمار کرد اما قضاوت تاریخ درباره او، نیکو و بزرگمردی است.

احمد قوام در خاندانی بزرگ زاده شد. دایی او علی‌خان امین‌الدوله، صدراعظم اصلاح‌جوی عصر ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه دوبرادرزاده خود حسن و ثوق و احمد قوام را برای طی مدارج اداری تربیت کرد. قوام تحصیلات اولیه را در مدرسه مروی گذراند و در نوجوانی مدتی پیش خدمت ناصرالدین‌شاه بود و سپس به‌عنوان منشی دایی‌اش که حاکم آذربایجان بود، به تبریز رفت. در ۲۹ سالگی به لقب قوام‌السلطنه دست یافت و منشی حضور مظفرالدین‌شاه و رابط میان او و مشروطه‌خواهان شد و فرمان مشروطیت را در همین اثنا به خط خود نوشت. با آغاز سلطنت محمدعلی‌شاه برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و پس از فتح تهران توسط